



عمادی: وقتی در جزئیات روابط زندگی شرکت کنندگان وارد می شوید، کلی قصه های جذاب مثل تنش، شکست و پیروزی و روابط پرفراز و فرود دارند. به نظر من این ظرفیت در زندگی هر شخصی وجود دارد، ولی وقتی قرار است بیاید جلوی دوربین، باید تغییرات کمی داشته باشد. کمی باید دراماتیزه شود

قاصدویک

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۹ تیر ۹۸ • شماره ۶۷۴

رو در رو
۵

سید احسان عمادی کارگردان «خانه ما» از چالش جذاب کردن زندگی آدم های معمولی می گوید

گاهی جذابیت مدیون کل کل هاست!



سید احسان عمادی را به عنوان یک روزنامه نگار می شناسیم، هرچند در سال های اخیر چند فیلم مستند ساخته که از قضا پرمخاطب هم بوده اند. او دو سال قبل مستند سینمایی «رزم آرا: یک دوسیه مسکوت» را کارگردانی کرد که هم با موفقیت های جشنواره ای در سینماحقیقت و هم با استقبال منتقدان مواجه شد. عمادی که از فصل ۳ به جمع عوامل مستند مسابقه «خانه ما» پیوسته، یکی از دو کارگردان فصل هفتم هم بوده است. با او درباره حضور آدم های معمولی در خانه ما و فرار از چهره محوری گپ کوتاهی زده ایم که در ادامه می خوانید.

❗ **بیشتر شهرهایی که خانه ما انتخاب کرده، کلانشهر بوده اند. چرا به شهرهای کمتر شناخته شده و محروم تر نرفتید؟**

چند دلیل دارد. یکی این که شهرهایی که تا به حال رفته ایم، یعنی تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، اهواز و رشت، شهرهای بسیار مهمی هستند و باید حتماً به این شهرها می رفتیم. دلیل دیگر آمار خانواده های ثبت نامی است. وقتی می خواهیم شهر هر فصل را انتخاب کنیم، به آمار خانواده های ثبت نام کرده نگاه می کنیم. هنوز در غیر از کلانشهرها ثبت نام زیادی نداریم. وقتی آمار ثبت نام ها کم است، مشکلی که پیش می آید، این است که پیدا کردن شرکت کنندگان مناسب کار سختی می شود. ما تقریباً از هر ۵۰۰۰ خانواده ای که مصاحبه می کنیم، می توانیم روی نام یکی یا دو خانواده مکث کنیم. بنابراین در شهرهای کوچک تر، یافتن شرکت کنندگان مناسب کار سختی است. از طرفی ما بسیاری از مراکز استان و شهرهای بزرگ را نرفته ایم. فکر می کنم تا وقتی مراکز استان را نرفته باشیم، بعید است بتوانیم به سمت شهرهای کوچک تر برویم.

❗ **آمار یا بازخورد خاصی از بینندگان خانه ما داشته اید؟**

آمار که نه، ولی بازخورد جالبی که گرفته ام این است که مردم در همه شهرهایی که رفته ایم، شناخت خوبی از خانه ما دارند. به محض این که می بینند دوربین و عوامل، به دنبال خانواده ای می رود، ما را می شناسند و می فهمند که از خانه ما هستیم. برای خود من این خیلی جالب بود که مردم این قدر برنامه را می بینند و شناخت دارند.

❗ **باید جلوی دوربین، باید تغییرات کمی داشته باشد. کمی باید دراماتیزه شود و بعضی از ویژگی های شخصیتی پررنگ تر شود.**

❗ **هیچ وقت وسوسه نشدید که از چهره های معروف استفاده کنید؟**

راستش نه. چهره های معروف وقتی جلوی دوربین می آیند، محذوبیت های خاص خودشان را دارند. بسیار وسواس دارند بدانند تصویری که ازشان نمایش داده می شود، چطور است. هر لحظه حواسشان هست چه کار کنند و چه بگویند.

❗ **مردم عادی هم حواسشان هست.**

بله، به نوعی همه این طور هستند، اما چهره های معروف چون تجربه طولانی مدت حضور رسانه ای داشته اند، دیگر انگار در تمام لحظات زندگی در حال ایفای نقش هستند، ولی مردم عادی این طوری نیستند. بخش زیادی از جذابیت خانه ما در فصول گذشته، مدیون کل کل ها و حتی برخورد هایی بوده که در خانه شرکت کنندگان انجام شده و دوربین ما ضبط کرده. اما وقتی چهره های معروف جلوی دوربین هستند، امکان ندارد چنین اتفاقاتی بیفتد.



❗ **یکی از ویژگی های اصلی «خانه ما» این است که چهره های شناخته شده را نمایش نمی دهد. چطور نمایش زندگی آدم های عادی را جذاب می کنید؟**

فکر می کنم خیلی از ما این تجربه را داشته باشیم که فکر کردیم برخی از اتفاقات روزانه و به ظاهر معمولی، قابلیت و کشش تبدیل به داستان یا فیلم داشته باشند. اگر کمی در این حوزه ها کار هم کرده باشید، ممکن است با برخی اطرافیان مواجه شوید که اتفاقات جالب زندگی شان را برایتان تعریف می کنند و می گویند قصه اش را بنویس یا فیلمش را بساز! می خواهم بگویم درست است که شرکت کنندگان خانه ما ممکن است آدم های معمولی بوده و کارهای ویژه ای نکرده باشند، اما خیلی وقت ها برخی قصه های فیلم ها هم از دل همین آدم های عادی درمی آید. وقتی در جزئیات روابط زندگی شان وارد می شوید و با دقت نگاه می کنید، کلی قصه های جذاب دارند، تنش، شکست و پیروزی و روابط پرفراز و فرود دارند. به نظر من به جرات می توان گفت این ظرفیت در زندگی هر شخصی وجود دارد، ولی وقتی قرار است



خانواده ها یک فرزند نوجوان دارند، بعضی دو فرزند کوچک و... بسیاری از مخاطبان می گویند مقایسه بین هزینه های این خانواده ها صحیح و عادلانه نیست.

در فصل اول، خیلی برایمان مهم بود که همه چیز در خانواده ها برابر باشد، اما تعداد خانواده های ثبت نام کننده خیلی کم بودند. تعداد اعضای خانواده هایی که پسندیدیم، جور نمی شد. تصمیم گرفتیم سقف هزینه ها را در یک ضریب مشخص ضرب کنیم تا تعادل ایجاد شود. این کار را هم انجام دادیم. وقتی برنامه تمام شد، به این نتیجه رسیدیم که مبلغ پس انداز شده تأثیری در برنده شدن یا نشدن نداشته باشد. هر خانواده ای که برنده شد، پس انداز فقط میزان جایزه اش را معلوم می کند. از طرفی این کنتراست را به خاطر الزامات دراماتیک لازم داریم. «خانه ما» بیشتر یک برنامه تلویزیونی است تا یک مسابقه ورزشی حرفه ای.

❗ **زمانی که شروع به ساخت «خانه ما» کردید، گونه رئالیتی شو (مستند مسابقه) چندان برای مخاطب شناخته شده و آثار زیادی در این گونه ساخته نشده بود. اجرای این ایده با این تولید نسبتاً بزرگ و هزینه های فراوان، ترسناک نبود؟**

تجربه ساخت رئالیتی شوی خلاقانه برای من که بسیار جذاب بود. برای آقای افشار تهیه کننده هم کارهای جدیدتر جذابیت داشت. سن ما هم این طور اقتضا می کرد. به علاوه تجربه مستند مسابقه «فرمانده» که کمی قبل تر ساخته بودیم، خیلی به ما انرژی داده بود. در آن زمان تنها تجربه مهم مستند مسابقه ایرانی با تعریفی که من مد نظر دارم، «سرزمین دانایی» بود. نکته دیگر این که الان حس می کنم این گونه برای مخاطب آشنا بوده ولی برای تولید کننده انگار مبهم است. شاید به دلیل این بوده که تجربه های موفق نداشته اند. شاید یک دلیل دیگر هم تولید سخت در این گونه باشد.

ممکن است

س قناعت و
ممزوج بوده

این بود که
ف مان فکر
میم کوچکی
گیریم، چقدر
ند. می شود
به در شرایط
بد. اینها را در

ان را به عنوان
ه قرار دادید،
د «خانه ما» به

در فصل یک،
هار نفره، یک
نملا با این
ت را پیش رو
واده ها، اعلام
زبنه دارند.
با خیلی خیلی
بینی را ۵۰۰

بودیم جایزه
است، فکر
لیون تومان

که اول شد،
که جایزه اش
فصل اول،
فانه را بسیار
ه ها قبل از
هر چقدر هم

عیت و سن
است. بعضی